



جستجو برای درک مفاهیم پنهان آیات قرآن در احادیث و تفاسیر، راه را برای جاری ساختن قرآن در سطح زندگی هموار می‌کند. چشم‌زخم و شورچشمی از باورهایی است که همواره درباره واقعی بودن یا نبودن آن بحث وجود داشته است. معمولاً آن عده از کسانی که درباره چشم‌زخم با محور قرآن صحبت می‌کنند، به دو آیه (51 سوره قلم و 67 سوره یوسف) در این زمینه اشاره می‌کنند.

جستجو برای درک مفاهیم پنهان آیات قرآن در احادیث و تفاسیر، راه را برای جاری ساختن قرآن در سطح زندگی هموار می‌کند. چشم‌زخم و شورچشمی از باورهایی است که همواره درباره واقعی بودن یا نبودن آن بحث وجود داشته است. معمولاً آن عده از کسانی که درباره چشم‌زخم با محور قرآن صحبت می‌کنند، به دو آیه (51 سوره قلم و 67 سوره یوسف) در این زمینه اشاره می‌کنند.

در این نوشتار تلاش می‌کنیم، نظر مفسران مختلف را درباره آیه «و ان یکاد» مرور کنیم تا ضمن شناخت محتوای آیه به ارتباط آن با چشم زخم پی ببریم.

معنای آیه و ان یکاد

در سوره قلم آیه 51 آمده است: وَ إِن يَكَاذُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ. نخستین نکته این است که معنای این آیه درباره پیامبر چه می‌تواند باشد؟ در تفسیر نمونه نظرات گوناگون درباره این آیه جمع آوری شده است که در سه دسته کلی می‌توان آنها را بیان کرد:

1- بسیاری از مفسران بر این باورند که دشمنان هنگام شنیدن آیات با عظمت قرآن، از شدت خشم و ناراحتی با نگاه پرخاش، گویی می‌خواهند با چشم هایشان پیامبر را نابود کنند. این آیه اشاره به باور وجود اثر مرموز و نهفته در بعضی چشم‌ها دارد که می‌توانند فرد مقابل را بیمار یا هلاک کنند.

2- بعضی دیگر گفته‌اند این مطلب کنایه از نگاه‌های بسیار غضب‌آلود است، مثلاً می‌گوییم: فلان کس آن چنان بد به من نگاه کرد که گویی می‌خواست مرا با نگاهش بخورد یا بکشد!

3- تفسیر نزدیک‌تر به محتوای آیه، عبارت است از این که: بین گفته‌های دشمنان اسلام تضاد وجود داشته است زیرا آنها وقتی آیات قرآن را می‌شنیدند، آن قدر مجذوب می‌شدند که از شدت اعجاب، پیامبر را چشم می‌زدند. (زیرا چشم زدن معمولاً در برابر امور بسیار اعجاب‌انگیز است) اما در عین حال می‌گفتند: تو دیوانه‌ای! و این حرف شگفت‌آور است؛ دیوانگی و پریشان‌گویی کجا و این آیات اعجاب‌انگیز جذاب و پرنفوذ کجا؟ (برگرفته از تفسیر نمونه، ج 24، ص: 426)

حال به سراغ تفاسیر گوناگون می‌رویم تا نظر دیگر مفسران را درباره محتوای این آیه و همچنین درست یا نادرست بودن مفهوم چشم زخم بیابیم.

تفسیرالمیزان

علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان درباره چشم زدن در ذیل آیه «و ان یکاد» می‌نویسند: «مراد از این ازلاق به ابصار - به طوری که همه مفسران گفته‌اند - چشم زدن است که خود نوعی از تأثیرات نفسانی است و دلیلی عقلی بر نفی آن نداریم، بلکه حوادثی دیده شده که با چشم زدن منطبق هست و روایاتی هم بر طبق آن وارد شده، و با این حال علت ندارد که ما آن را انکار نموده، بگوییم یک عقیده خرافی است.» (ترجمه المیزان، ج 19، ص: 649) بنابراین از نظر ایشان چشم زخم می‌تواند واقعیت داشته باشد.

أطیب البیان فی تفسیر القرآن

در تفسیر اطیب البیان نوشته سیدعبدالحسین طیب در شرح این آیه آمده است که: چشم بعضی اشخاص طوری است که وقتی چیزی به نظرشان بزرگ می‌آید و تعجب می‌کنند و نمی‌توانند خودداری کنند، (پس) چشم می‌زنند و آسیبی به طرف واقع می‌شود.

ایشان در ادامه تأکید می‌کند که نباید تمام آنچه را که داریم، به دیگران نشان دهیم. حتی عمل فوق العاده در برابر دیگران نداشته باشیم زیرا ممکن است، طرف مقابل، انسان کوتاه نظری باشد و این دارایی یا کار شما در نظرش بسی بزرگ جلوه کند و شما را چشم بزند.

سپس جناب طیب به ماجرای شجاعت‌های چشمگیر محمد حنفیه فرزند امیرالمومنین در جنگ صفین اشاره می‌کند که سه بار شجاعانه به لشکر معاویه حمله کرد. او را چشم زدند و یک طرف بدنش فلج شد تا حدی که دیگر قدرت حرکت در بدن نداشت. (برگرفته از أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج 13، ص: 155)

آشنایی با قرآن

در کتاب آشنایی با قرآن از شهید مطهری درباره این آیه دو گونه تفسیر شرح داده شده است؛ نخست این که بیشتر مفسران (البته از قدما) معتقدند در این آیه قرآن می‌خواهد بفرماید کافران عناد و غیظ نسبت به حضرت رسول داشته‌اند. دشمن وقتی در مقابل دشمن قرار می‌گیرد، اگر در برنامه خودش فاتح و پیروز بشود و اگر احساس شکست در طرف بکند، از غیظ و خشمش

کاسته می‌شود. امام حسین (علیه السلام) فرموده اند: «الْقُدْرَةُ تَذْهَبُ الْحَفِیْظَةُ» یعنی توانایی و نیرومندی، خشم و کینه را از بین می‌برد. بنابراین انسان‌ها به هر اندازه از نظر روحی قوی تر باشند، احساس خشم و کینه کمتری دارند و هر چه از نظر روحی ضعیف تر باشند و در مقابل دیگران بیشتر احساس ضعف کنند، احتمال این که احساس کینه در روحشان ایجاد شود، بیشتر می‌شود.

کفار در مقابل پیغمبر اکرم دچار حس شکست و ضعف می‌شدند. بنابراین عقده و خشم در آنها افزون می‌شد. گویا هر روز پیامبر را برنده تر از گذشته می‌دیدند و خود را بازنده تر، زیرا شاهد گرایش بیشتر و بیشتر به پیامبر بودند. از طرف دیگر زیبایی های قرآن و ناتوانایی در عیب جویی از قرآن موجب می‌شد، قدرت خود را در ضعف بیشتری ببینند و احساس خشم بیشتری بیابند. بنابراین همان هنگام که آیات را از زبان پیامبر می‌شنیدند و به چشم های او خیره می‌شدند، چنان خشم آنها افزوده می‌شد که می‌خواستند با چشم هایشان پیغمبر را بکوبند؛ مثل این که می‌گوییم فلان کس با چشم هایش می‌خواهد مرا تیر بزند. طبق این نگاه، معنای آیه در اصل کنایه از شدت خشم مخالفان دارد؛ چنان خشم احمقانه ای که موجب می‌شد به علت عدم ناتوانی در دفاع از خود، بگویند: این شخص از افراد دیوانه و جن زده است که می‌تواند کارهای خارق العاده انجام دهد. (در آیه این معنا تصریح شده است: وَ يَقُولُونَ اِنَّهُ لَمَجْنُونٌ) پاسخ قرآن در برابر این اتهام چیست؟ قرآن می‌گوید: اثر کار جن و شیطان نمی‌تواند بیداری بشر و همه جهان باشد!

دومین گونه تفسیر برای این آیه اخیرا رایج شده است. شهید مطهری می‌گوید: در این نوع تفسیر معتقدند آیه کنایه نیست بلکه یک جمله صریح است. واقعا بین کفار فرد شورچشمی بود که به هرچه با نگاه اعجاب آمیز می‌نگریست، دچار آفت می‌شد. کم کم کفار تصمیم گرفتند از همین راه پیامبر را از بین ببرند. در نظرشان، این راه خوبی بود زیرا هیچ مسئولیتی متوجه کسی نمی‌شد.

در نظر شهید مطهری اگر ما این نوع تفسیر را بپذیریم، یعنی اثبات کرده ایم که قرآن تلویحا مساله چشم زخم را تأیید کرده است در حالی که باید درباره واقعی بودن چشم زخم و مفهوم آن بیش از آنچه امروز در جامعه رایج است، اندیشید تا به نتیجه درست دست یافت. (بر گرفته از مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج 27، ص: 628 تا 630)

آیا چشم زدن واقعیت دارد؟

همان طور که در مطالب بالا گفته شد، از نظر علامه طباطبایی و جناب طیب چشم زخم می‌تواند واقعیت داشته باشد. برای توضیح بیشتر در فهم واقعیت داشتن یا نداشتن، به تفسیر نمونه رجوع می‌کنیم. آیت الله مکارم، در ذیل آیه «و ان یکاد» درباره واقعی بودن این مساله می‌گویند: بسیاری از مردم معتقدند در بعضی چشم ها اثر مخصوصی است که وقتی از روی اعجاب به چیزی بنگرند، ممکن است آن را از بین ببرد یا درهم بشکنند، و اگر انسان است بیمار یا دیوانه کند... این مساله از نظر عقلی امر محالی نیست، چه این که بسیاری از دانشمندان امروز معتقدند در بعضی چشم ها نیروی مغناطیسی خاصی نهفته شده که کارایی زیادی دارد، حتی با تمرین و ممارست می‌توان آن را پرورش داد. خواب مغناطیسی از طریق همین نیروی مغناطیسی چشم هاست. (تفسیر نمونه، ج 24، ص: 427 و 428)

ایشان برای اثبات این مساله به یکی از پدیده های طبیعی اشاره می‌کنند و می‌گویند: در دنیایی که اشعه لیزر که شعاعی است نامرئی می‌تواند کاری کند که از هیچ سلاح مخربی ساخته نیست، پذیرش وجود نیرویی در بعضی چشم ها که از طریق امواج مخصوص در طرف مقابل اثر بگذارد، چیز عجیبی نخواهد بود.

علاوه بر این که اشخاص بسیاری نقل می‌کنند که با چشم خود افرادی را دیده‌اند که دارای این نیروی مرموز چشم بوده‌اند و افراد یا حیوانات یا اشیایی را از طریق چشم زدن از کار انداخته‌اند. لذا نه تنها نباید اصراری در انکار این امور داشت، باید امکان وجود آن را از نظر عقل و علم پذیرفت. (تفسیر نمونه، ج 24، ص: 428)

حال در برابر این واقعیت چه باید کرد؟ از نظر آیت الله مکارم، هیچ مانعی ندارد که دعاها و توسل ها به فرمان خداوند مقابل تاثیر نیروی مرموز چشم ها را بگیرد، همان گونه که دعاها در بسیاری از عوامل مخرب دیگر اثر می‌گذارد و آنها را به فرمان خدا خنثی می‌کند. البته باید یادآوری کرد قبول تاثیر چشم زخم به معنی پناه بردن به کارهای خرافی و اعمال عوامانه نیست زیرا بعضی از این کارها هم بر خلاف دستورات شرع است و هم سبب شک و تردید افراد ناآگاه در اصل موضوع است و اگر حقایق با خرافات آمیخته شود، تاثیر نامطلوبی بر اذهان می‌گذارد. (برگرفته از تفسیر نمونه، ج 24، ص: 429)

یک آیه، یک نکته

در ابتدای این نوشته ذکر شد که دو آیه در قرآن معمولا موضوع بحث چشم زخم است. آیه 67 سوره یوسف، درباره زمانی است که حضرت یعقوب به فرزندان خود می‌فرماید، هنگام ورود به شهر مصر از یک در وارد نشوید بلکه از درهای مختلف وارد شوید... معمولا در تفاسیر، بحث چشم زخم را در ذیل این آیه، به همان سوره قلم ارجاع داده‌اند.

در مجمع البیان فی تفسیر القرآن، یک نکته کلیدی در تفسیر این آیه آمده است که برای زندگی روزمره، کاربردی است. بحث در این باره است که چگونه انسان چشم می‌خورد یا به عبارت دیگر چه قانونی در جهان وجود دارد که ما دارایی با ارزش خود را از دست می‌دهیم؟ شیخ طبرسی ابتدا نظرات مختلف را در این باب می‌آورد از جمله این که: تاثیر چشم کار خداست که روی برخی مصالح آن را موثر قرار داده است و بعد به سخن سیدشریف رضی موسوی اشاره می‌کند که خدا روی مصالح متعدد با بندگان رفتار می‌کند. بعضی اوقات بهانه ای لازم است تا نعمتی از ما گرفته شود زیرا مشغولیت ما به آن نعمت موجب می‌شود از دیگر دارایی ها و نعمت های بهتری که در انتظار ما هستند، غافل شویم. اتفاقا در این از دست دادن ها، عوض آن

نعمت زود یا دیر جبران می شود.

سپس سیدشریف رضی به یک نکته ظریف دیگر با استناد به محتوای حدیثی از حضرت رسول اشاره می کند و می گوید: وقتی چیزی در نظر بندگان خدا بزرگ آمد، خداوند از قدر و ارزش آن چیز می کاهد و کوچکش می سازد و بنابراین هیچ بعید نیست که حال بعضی چیزها در اثر نگاه مردمان تغییر کند و همان بزرگ آمدن در چشم مردم، سبب دگرگونی وضع آن چیز گردد. چنانچه در حدیث است، وقتی از شتر عضباء رسول خدا در مسابقه سبقت گرفتند - و تا به آن روز در هیچ مسابقه‌ای از آن شتر سبقت نگرفته بودند - حضرت فرمود: «بنندگان خدا چیزی را بالا نبردند (و به مقام بلند نرساندند) جز آن که خدا از مقام آن چیز کاست.» شاید مصلحت این که دستور داده‌اند وقتی چیزی به چشم انسان خوش آمد، شخص آن چیز را در پناه خدا قرار دهد و به رسول خدا درود فرستند، این باشد که جلوی تغییر حالت آن چیز را بگیرد زیرا بیننده با این عمل به خدا توجه می کند و بدو پناه می برد. (ترجمه مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، ج12، ص: 261)